



رویا رویی کاندیدان طرف دار نظام های جمهوری صدارتی (پارلمانی) و ریاستی (پریزیدنشال) در دور دوم انتخابات



احمد سعیدی تحلیلگر امور سیاسی

هر چند رویا رویی طرز های حکومت صدارتی (پارلمانی) و ریاستی در تاریخ انتخابات افغانستان، طرح تازه نیست؛ اما این بار، با گذشته فرق می کند. در این دور رئیس جمهور برحالی، رقیب مخالف طرز حکومت پارلمانی-صدارتی نیست؛ بلکه در میدان رقیب تازه است که در مقابل قرار دارد. اما مشخص شدن اش در این راستا، خیلی مهم است تا فهمیده شود که جناب حامد "کرزی" رئیس جمهور ریاستی خواه، در آخرین زمان ها از همان طرز حکومت ریاستی و بیکه تازی دوران خود اش جانبداری می کند و یا از طرز حکومت پارلمانی-صدارتی، طوریکه طرز حکومت آینده، بتواند مشارکت و سهیمگیری بیشتر مردم را در اداره و مدیریت کشور را تأمین نماید. بسیاری ها، مردم افغانستان را قانون گریز و تابع زور می دانند که این گونه دید، یکی از توجیهات ریاست طلبان هم، همین است که باید خودکامه و اقتدار گرا بود، تا مردم به راهراست هدایت شوند. و الی شیرازه اداره از هم میپاشد؛ اما من با زور و اعمال اقتدار، خارج از اصول و ارزش های نظام های پیرو دموکراسی، مخالف و طرفدار نظام پارلمانی صدارتی هستم که توجه شمارا به توضیحات متمیزات آن جلب می کنم:

بقیه در صفحه (۳)

فیروز کوه نامت مبارکباد

همت والای جوانان غوری و جرأت نوشتن نام «فیروز کوه» بحیث پایتخت شاهنشاهی و امپراطوری سلالة غوریان و مسمی ساختن مرکز کنونی ولایت تاریخی و باستانی غور، در همه ابعاد مطالب و مضامین ویژه خود، به همگان ثابت می سازد که تصمیم گرفتن، یگانه راه رسیدن به هدف است و صدای همه، قلم همه و قاطعیت همه، در تصمیم گیری ها، باعث خواهد شد تا بر دیار «فیروز کوه» توجه، صورت گیرد و شهر «فیروز کوه» به شهرت دیرینه خود برسد. این داعیه همه ما و شما میباشد تا بخاطر آبادی، نوسازی و بازسازی شهر «فیروز کوه»، از هیچ نوع مجاهدت و تلاش، دریغ نکنیم و صدای مانرا به گوش تمامی مقامات صالحه زیربط حکومت برسانیم. اگر امروز کوشش مینمائیم تا نام مرکز ولایت تغییر نماید و در نتیجه بنام پایتخت سلاطین غور یعنی «فیروز کوه» نام گذاری شود، پس فردا خواهیم توانست تا برای عمران، بازسازی و احیای نام تاریخی «فیروز کوه»، گامهای بلندتری را برداریم. اگر امروز، بخاطر تغییر نام مرکز غور تاریخی، چند وزیر را ملاقات مینمائیم و تاکید می ورزیم که نام مرکز ولایت بنام «فیروز کوه» منظور گردد و دروازه آرامگاه شاهنشاه بزرگ، غیاث الدین والدین در هرات بروی بازدیدکنندگان باز گردد؛ یقین است که فردا، برای بازسازی قلعه های آهنگران، مهندیش(مندیش)، سفرو، ضحاک و غیره ماندگار های تاریخی و جستجو بخاطر یافتن آثار نایاب تاریخی سلالة شاهنشاهی غوری ها، کوشش خواهیم کرد و تلاش برای بازسازی باغ ارم واقع در زمینداور کنونی هلمند، مدرسه شاه مشهد واقع در دره پنج بزه های ولسوالی جوند ولایت بادغیس، مسجد لاهور، ماندگار های تاریخی هرات از دوران شاهنشاهان غور، ماندگار های تاریخی هندوستان از این سلاله و غیره یادگار های امپراطوران غوری ادامه پیدا خواهد کرد؛ هر کدام ما تحقق این اهداف تاریخی را بفال نیک می گیریم، عملی پذیر خواهد شد. اما گام نخست تحقق این اهداف، نگاهداشتن نام پایتخت مشهور «فیروز کوه» است که انشاءالله بزودی مورد منظوری مقامات ذیصلاح قرار خواهد گرفت. در اینجا، جا دارد تا از همه قلم بدستانی که سایت جام غور را مزین به نوشته های خویش می سازند و هم از ماهنامه نغز و زیبایی جوانان الله یار که در همه نوشته ها و یا در مطالب ایشان، نام زیبا و دلنشین «فیروز کوه» را تحریر مینمایند، هزاران سپاس و تشکر نمایم و همچنان از تصمیم متخذ دست اندرکاران و گردانندگان سایت جام غور و ماهنامه جوانان الله یار، که بانوشتن نام «فیروز کوه» در اخبار و مطالب توجه فرموده اند، ممنون و متشکرم.

با احترام
نثار احمد "حبیبی غوری"
رئیس عمومی نظیف شهر کابل

فراگیری فرهنگ از قرآن مجید

عبدالقدیر "علم"

عقل و خرد انسان، بالاتر می رود بر ادب او افزوده می شود، ارزشها و ضد ارزشها را بهتر درک می کند، به همین دلیل بی ادبی همیشه نشانه بی خردی نیز هست و بعد از آن رفتار مؤمنان در مقابل یکدیگر را توضیح فرموده است که ما بیشتر روی همین ایت شریف تمرکز خواهیم کرد که ترجمه آن چنین است:

ترجمه تفسیر نمونه: "ای کسانی! که ایمان آورده اید، نباید گروهی از مردان شما، گروه دیگر را استهزا کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی از زنان دیگر، آنان شاید بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند، یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان نام کفر بگذارید، و آنها نیکه توبه نکنند ظالم و ستمگراند. ای کسانی! که ایمان آورده اید، از بسیاری گمان ها بپرهیزید که پاره از گمان ها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی را نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد تا گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا، توبه پذیر و مهربان است."

بقیه در صفحه (۲)

بلی! فرهنگ قرآن، همان فرهنگ انسانیت است که انسان را بخود سازی و اثر گذاری رهنمون شده است. خود سازی؛ چون علم، ادب و اخلاق با شاخصه های خود گذری، تواضع، قناعت و وفا کاری، هر چند هر حرف و هر آیه قرآن کریم، مکتبی است مملو از فرهنگ؛ که بطور نمونه، به ترجمه و تفسیر سوره حجرات در اینجا اتکا میکنیم، طوریکه بسیاری از مسائل مهم اخلاقی و فرهنگی در آن، عنوان گردیده و حتی میتوان آنرا سوره اخلاق و آداب نامید، آنهم اخلاقی که فرهنگ جامعه را می سازد؛ مانند تأکید بر یک سلسله اصول مهم اخلاق اجتماعی که عملی کردن آنها، محبت، صفا، صمیمیت، امنیت و اتحاد را در جامعه اسلامی تضمین می کند، که فراموش کردن و پشت پا زدن بآنها، مایه بدبینی، نفاق و پراکندگی میشود و در این سوره، گذشته از تربیت فردی، بمسائل اجتماعی نیز اشاره شده است و دستوراتی که مربوط به چگونگی مبارزه با اختلافات و درگیریهای که احیاناً در میان مسلمانان روی می دهد، بخوبی مشخص شده است. آیات نخست سوره حجرات، نوع رفتار و تعامل امت با پیامبر بزرگوار اسلام را رهنمائی کرده است؛ طوریکه ادب را معیار خرد، قرار داده است، یعنی هر قدر سطح

مجموع اخبار ماه ثور، سال ۱۳۹۳ ولایت غور

"برگرفته شده از سایت بین المللی جام غور"

"زلال" رئیس احیاء، رشد و توسعه دهات ولایت غور میگوید که: "پروژه خیاطی از سوی برنامه ملی رشد توسعه منطوقی این وزارت در قریه خیرآباد ده سبز دره قاضی، مربوط مرکز ولایت غور، به ارزش (۱۱۷۷۰۰۰) افغانی به بهره برداری رسید". رئیس احیاء، رشد و توسعه دهات گفت، ۳۰ تن از زنان، بعد از ۵ ماه، آموزش حرفه خیاطی را آموختند و اکنون تمامی ماشین های خیاطی و دیگر مواد خام، بطور رایگان، برای فارغان داده شد. زنانیکه اسناد فراغت و ماشین های خیاطی از سوی ریاست احیاء، رشد و توسعه دهات را بدست آورده بودند، از برنامه های این ریاست، اظهار قدردانی نموده و در ضمن خواهان عملی شدن همچو پروژه ها برای خانه ها در مرکز ولایت غور شدند.

← **دوشنبه مؤرخ ۱۵ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
مقام اول محلی حکومت در ولایت غور، بریاست محمد امین "توخی" معاون والی این ولایت و باشرک روسای ادارات محلی حکومت و اصناف مرکز ولایت، کمیته جمع آوری اعانه و مساعدت های نقدی، برای بازماندگان قربانیان حادثه المناک کوهکوج باریک آب ولایت بدخشان، تشکیل داده و این کمیته توانسته است تا اکنون بیش از ۳ صد هزار افغانی جمع آوری نماید. معاون "توخی"، معاون والی ولایت غور و رئیس کمیته جمع آوری اعانه و مساعدت ها، به بخش خبری وبسایت جام غور، در زمینه چنین معلومات داد: "بمنظور غمشریکی و بذل مساعدت به بازماندگان قربانیان حادثه المناک بارک آب ولایت بدخشان، اداره محلی ولایت غور مصمم شد تا برای جمع آوری مساعدت ها به بازماندگان، حادثه طبیعی بدخشان، کمیته را تشکیل دهند. به نقل از آقای توخی، کمیته توانسته است، علاوه بر افتتاح حساب بانکی (۷۶۳۲۰۰۰۸) در ظرف ۲۴ ساعت، بیش از ۳ صد هزار افغانی را جمع آوری نمایند.

← **سه شنبه مؤرخ ۲۳ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
نخستین باغ زنانه با داشتن ساختمان یک مرکز برای دادن آموزش های حرفوی، به هزینه بیش از (۱۶۷۰۰۰۰۰) افغانی از بودجه توسعهی وزرات امور زنان، در شهر فیروز کوه، مرکز ولایت غور، به بهره برداری رسید. این باغ ۶ جریب زمین را احتوا میکند که ساختمان دو طبقه آموزشهای حرفوی نیز در داخل آن ساختمان با داشتن ۹ اتاق اداری، دو تالار بزرگ تویرجلسات و دو اتاق برای ویژه نگهبانان، ساختمان و آباد گردیده است.

← **روز پنجشنبه مؤرخ ۲۵ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
جنرال محمد فهیم "قائم" بحیث قوماندان امنیه ولایت غور تعیین گردید و بکارش آغاز نمود. آقای "قائم" توسط محترم سمیع الله "قطره" قوماندان امنیه ولایت هرات بحضور محترم سید انور "رحمتی" والی غور، اعضای شورای ولایتی و مقامات بلند ملکی و نظامی آن ولایت، معرفی گردید. سید انور "رحمتی" والی ولایت غور، در ضمن صحبت خویش، از مدیریت خوب و تلاشهای جنرال دلاور شاه "دلاور" قوماندان امنیه سابق ولایت غور، قدردانی نموده و گفت: "کارنامه ها و فعالیت های آقای "دلاور" در امر تأمین امنیت، قابل ستایش است و خوشحالم که امروز چهره دیگری از خدمتگذاران وطن را، بحیث قوماندان جدید امنیه، به معرفی میگیریم." آقای "رحمتی" مشکلات امنیتی در ولایت غور را ناشی از عدم توجه مقامات پایتخت دانست و گفت، کمبود نیروهای امنیتی در این ولایت، باعث نا امنی ها است.

جنرال محمد فهیم "قائم" قوراندان تازه تقرر امنیه ولایت غور، از اكمال و فراهم سازی امکانات بیشتر نظامی، بازسازی و بردن توسعه، به دورترین ولسوالی های این ولایت سخن گفته، و وی افزود: "خدمتگذار دهقان و کارگر هستم، تا قطره خون در بدن دارم، در اعلاي كلمته الله و سربلندی وطن، خدمت مینمایم." آقای "قائم" در ادامه گفت که یگانه آرزویش، همدیگر پذیری غوری ها است و تلاش خواهد کرد تا نزاع های بین القومی این ولایت را به آشتی دایمی مبدل سازد. جنرال دلاور شاه "دلاور" قوماندان پیشین امنیه ولایت غور، از همکاری های مردم ولایت غور، در تأمین امنیت و همکاری با نیروهای امنیتی، اظهار قدردانی نموده و گفت: "ایجاد پوسته های امنیتی، اعمار چندین ساختمان برای بود وباش پولیس، ایجاد تولى تأمین امنیت شاهراه ها و پولیس محلی، از دست آورد های دوره کاری ام است."

← **روز جمعه مؤرخ ۲۶ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
انور "رحمتی" والی غور که در مراسم بستن سریندکاتال آب درمطقه پوزه لوچ (پوزلیچ) سخن میگفت؛ از ۳۰۰ هزار دالر امریکائی برای ترمیم بخش های این کانال، خبر داد

← **یکشنبه مؤرخ ۲۸ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
مقامات امنیتی ولایت غور، دوتن را به مشکوک و مظنون بودن به ارتکاب جرم سرقت یک عراده موترسایکل، در مربوطات شهر فیروزکوه، دستگیر نمودند. محمد ابراهیم شاه "منور" رئیس دفتر مطبوعاتی قوماندانی امنیه ولایت غور گفت: "این سارقان در مسیر راه قریه صوفک، میخواستند تا موتر سايکل یک شهروند را سرقت نمایند که، به همکاری مردم، توسط پولیس جنایی، دستگیر شدند." آقای "منور" گفت: "سارقان دستگیرشده، قبل از این در چندین سرقت دیگر دست داشته که سر انجام روز یکشنبه دستگیر و به خرنوالی معرفی گردیدند."

← **سه شنبه مؤرخ ۲ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
بربنیاد یک پیشنهاد تازه وزارت اطلاعات و فرهنگ به شورای وزیران، مرکز ولایت غور از "چغچران" به "فیروزکوه" تغییر نام یافت.

باید گفت که، فیروزکوه در زمان شاهنشاهی و زمامداری غوریان بحیث پایتخت امپراتوری آنان تعیین شده بود که، در قسمت غربی منار جام نزدیک به زیارت خواجه سیدحسن آغا قرار دارد؛ اداره امور و دارالانشای شوری وزیران روز دوشنبه (اول، ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی) با انتشار خبرنامه، اعلام کرد که پیشنهاد وزیر اطلاعات و فرهنگ، حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، مبنی بر تغییر نام مرکز ولایت غور از چغچران به فیروزکوه به شوری وزیران پیشنهاد گردید که از سوی این شوری مورد تصویب قرار گرفت). شهر فیروزکوه بین صدهای (۱۰ و ۱۱ میلادی) پایتخت حکمروایی سلسله شاهنشاهان غوری بوده و وزیر اطلاعات و فرهنگ نیز بنابر همین پیشینه دیرینه تاریخی، این پیشنهاد را به شوری وزیران ارائه کرد. وزیر اطلاعات و فرهنگ در مورد گفت که: اصل پیشنهاد تغییر نام از سوی اعضای شوری ملی، نهادهای جامعه مدنی، فرهنگیان و جوانان ولایت غور صورت گرفته است.

شوری وزیران، وزارت های اطلاعات و فرهنگ و عدلیه را وظیفه داد، تا تعدیل نام مرکز ولایت غور از چغچران به فیروز کوه، با ارایه دلایل موجه در قانون ارگان های محلی، طی مراحل کنند.

همچنین در یک خبر دیگری، گفته میشود که مقامات محلی حکومت در ولایت غور که ۱۴۰ کیلوگرام مواد مخدر از نوع تریاک را، بدست آورده و بهمین ترتیب در پیوند به این قضیه، یک تن را نیز همراه با یک عراده موتر نوع فولدر و یک پایه تلفون ثریا دستگیر نموده اند.

← **روز جمعه مؤرخ ۵ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
قربان "حکمت" خبرنگار افغانستان بازرسته قلبی درگذشت. این خبرنگار جوان از سه ماه بدین سو از بیماری قلبی رنج می برد و سرانجام، بامداد روزجمعه درشفابخانه شهری، شهر فیروزکوه- مرکز ولایت غور، به عمر وزاد سی و شش سالگی درگذشت_ خداوند! بیمارزش!

← **شنبه مؤرخ ۶ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
مقامات محلی حکومت غور، از حادثه کشته شدن ملایوسف ولسوال نام نهاد طالبان با دو تن دیگر از هم قطارانش، در ولسوالی شهرک ولایت غور، خبر میدهند. عبدالحی "خطیبی" سخنگوی والی ولایت غور میگوید که: "ملا یوسف ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی دولینه، میخواست تا ماینی را در منطقه "سرتایده" ولسوالی شهرک جا بجا نماید که از اثر انفجار، با دو تن از همکارانش کشته شد ند.

← **سه شنبه مؤرخ ۹ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
شماری از باشندگان ولسوالی پسا بند ولایت غور، در مرکز آن ولسوالی، طی راهپیمایی، خواستار اكمال و آغاز تأمین امنیت فعالیت آنتن شبکه مخابراتی روشن شدند. خبر حادثه شده دیگری در این روز؛ حریق و آتش گرفتن یک منزل زیست در شهر فیروزکوه ناشی از بی احتیاطی در استفاده از بالون گاز مایع است که، تمامی هست و بود یک فامیل را بکام خود کشید و خاکستر ساخت. به گزارش کمیته اضطراری ولایت غور، در منزل که حریق شده، علاوه بر ۷۵ هزار افغانی پول نقد، تمامی اسباب، سامان و وسایل این منزل؛ چون: فرش باب، دوشک ها، ماشین خیاطی، بکس های لوازم، لباس های پوشیدنی، ۱۲ بوجی گندم، قسمت هائی از کلکین ها، دروازه ها و سقف منزل، کاملاً حریق گردیده است.

← **روز سه شنبه مؤرخ ۹ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
جنرال دلاور شاه "دلاور" قوماندان امنیه ولایت غور میگوید که: "در عملیات مشترک نیروهای مسلح افغانستان، در ولسوالی تیوره آن ولایت، ۲ تن از همکاران طالبان کشته شده و ۴ تن دیگر آنان، دستگیر گردیدند.

← **در همین روز سه شنبه مؤرخ ۹ ثور سال ۱۳۹۳ عبدالغفور** مدیر عمومی مرکز فرعی صحنی، سرتایده ولسوالی شهرک، صبح روز دو شنبه (۸ ثور ۹۳) زمانیکه از خانه اش بطرف کلینیک در روان بود، از سوی افراد مسلح به قتل رسید.

← **روز جمعه مؤرخ ۱۲ ثور سال ۱۳۹۳ خورشیدی**
محمد امین "توخی" معاون والی ولایت غور که در مراسم بهره برداری از پروژه صنایع دستی در فیروزکوه صحبت میکرد، رشد و توسعه صنایع دستی را در پیشرفت اقتصاد فامیلی موثر خواند. آقای "توخی" با اظهار قدردانی از برنامه های ریاست احیاء، رشد و توسعه دهاتاین ولایت گفت: "با توجه به بهتر شدن صنایع دستی، امیدوارم، شهر فیروزکوه در آینده، پایگاهی باشد برای مارکیت "بازار" صنایع دستی در سطح ولایت غور". در همین روال، انجینر تاج محمد

فراگیری فرهنگ...

۱. استهزاء، بدگمانی، غیبت، تجسس عیوب، و دادن القاب زشت ممنوع: اما دریغ که بسیاری از مسلمانان باین زیور اخلاق آراسته نیستند، همین است که میگوئیم آیا واقعاً مسلمانان به فرهنگ قرآن عادت کرده اند؟! از آنجائیکه قرآن مجید در این سوره، به ساختن جامعه اسلامی بر اساس معیارهای اخلاقی پرداخته است، پس از بحث در باره وظائف مسلمانان در مورد نزاع و مخاصمه گروههای مختلف اسلامی، در آیات مورد بحث، بشرح قسمتی از ریشه های این اختلافات، نیز پرداخته تا باشد که با قطعیت آنها، اختلافات نیز بر چیده شود، درگیری و نزاع پایان گیرد. واینجا مخاطب مؤمنان اند، اعم از مردان و زنان و قرآن به همه هشدار می دهد که از این عمل زشت بپرهیزند، چرا که سرچشمه استهزاء و سخریه، همان حس خود برتر بینی، کبر و غرور است که عامل بسیاری از جنگهای خونین در طول تاریخ بوده و در پایان، آیه برای تاکید بیشتر می فرماید ترجمه: "و آنهایکه توبه نکنند و از این اعمال دست بر ندارند ظالم و ستمگران اند که متن آیه مبارک چنین است، (و من لم یتب فالولک هم الظالمون).

۲. **ظالمان، نمیدانند که ظالم اند:** گاهی انسان هائیکه زور و قدرت ندارند، خودرا مظلوم فکر میکنند؛ اما نمیدانند که ظلم انواع گونا گونی دارد، چی ظلمی از این بدتر نیست که انسان با سخنان نیش دار، تحقیر آمیز و عیبجویی، قلب مردم با ایمان را که مرکز عشق خدا است، بیازارد، شخصیت و آبروی آنها را که سرمایه بزرگ زندگی آنان است از بین ببرد. به همه حال، باید دانست که بسیاری انسان ها، ظالم اند؛ اما نمی دانند. بخاطر نداشتن پول و قدرت، خودرا ضعیف و ناتوان فکر میکنند ولی نمیدانند که زخم شمشیر زبان، هم ظلم بزرگی است که تصور اش مشکل است.

۳. **اثر فرهنگ قرآن مجید بر غیر مسلمانان:** مواردیکه در سوره حجرات، از نگاه ادب و اخلاق دینی، ممنوع اعلان شده، از جمله مظاهر بارز فرهنگ قرآنی است؛ اما بسیاری از غیر مسلمانان در مورد مسائل فوق، بمثابه یک حکم ممنوع، خیلی حساس وجدی اند. ما که در کشور های غربی زندگی میکنیم، اینها در تعامل و رفتار اجتماعی خود دروغ، غیبت استهزاء، بدگمانی و تهمت را بطور قطع ممنوع قرار داده اند و اگر فردی یکبار هم دروغ بگوید و یا غیبت کند، دیگر از دائره تعامل بیرون میشود و هیچگاهی هم، مورد اعتماد قرار نمیگیرد. اما متأسفانه، مسلمانان با وصف تاکید های قرآن مجید، بسادگی دروغ میگویند، از عیب جوئی و غیبت گفتن برادر مسلمان خود، عار ندارد. لذا فرهنگ قرآن در جوامع غیر اسلامی تأثیر خیلی مثبتی داشته و اینها عیب نمیدانند اگر خوبی های ادیان دیگر را بگیرند. ما هم باید در پهلوی مطالعه قرآن، افکار و اندیشه های دیگران را مطالعه کنیم؛ چون تمسک به قرآن و حاکمیت بخشیدن به این کتاب آسمانی، جز با شناخت تفکرات انحرافی ضد قرآنی و مقابله با آنها، امکان پذیر نیست.

۴. **جوانان و فرهنگ دینی:** هر چند در شرائط فعلی، کشور ما میدان تجربه فرهنگ های ملل مختلف است، فراگیری فرهنگ و زبان بیگانه، یک مد و رواج شایسته محسوب میشود که بسیاری از جوانان جهت نمایش بلند بودن سویه دانش خویش، از کلمات و اصطلاحات خارجی، استفاده کرده و یا رنگ آمیزی های شگفت انگیزی، از فرهنگ ملی و اسلامی خود، فاصله گرفته اند و باید این دسته جوانان، این حقیقت را بدانند که تمرکز بر فرهنگ ناب اسلامی در کشوری چون افغانستان، از اهمیت زیادی برخوردار است و اما، ما نمیگویم که جوانان زبان های خارجی را نیاموزند، یا معارف و ارزش های جهان معاصر، آشنائی پیدا نکنند؛ بلکه همه چیز را بیاموزند، اما درین راستا، تناسب را فراموش نکنند و باید بدانند که فرهنگ، زبان، آداب و رسوم ایشان، در کدام پله و میزبان باید قرار داشته باشد که، در همچو مواردی رعایت اولویت ها، خیلی مهم است و این تشخیص برای جوانان خیلی مهم میباشد تا بهار عمر خود را با گل های آداب و احکام بوستان قرآن، مزین سازند؛ چون بهار عمر آغاز فراز و نشیب های روانی، جسمی و رسیدن به سن رشد است. در این دوره شخصیت انسان بطور تدریجی شکل میگیرد و پرسش های فکری و فرهنگی بسیاری، در ذهن جوان پیدا می شود و این دوره لبریز، از زیبایی، نشاط، احساسات، لذت های متنوع، آراستگی، خداجوئی، خدایابی و دین باوری از ویژگی های این دوران است که با درک صحیح باورها و ارزش های دینی و مذهبی، می توان روان ناآرام جوان را، آرامش و اطمینان بخشید.

نهادهای فرهنگی و مدنی ما با داشتن علم و معرفت دینی، وظیفه دارند تا قرآن کریم را که تجلیگاه موجودیت خداوند و وسیله ارتباط، میان بندگان و آفریدگار جهان است، بجوانان بیاموزند و قرآن را از انزوا و مهجوریت خارج سازند: (و قال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً) (فرقان، ۳۰) و رسول خدا در این مورد میفرماید: "پروردگارا! (با اینکه هشدار دادی و فرمودی، اگر می خواهی سربلند و عزیز باشی، به قرآن عمل کنی) قوم من (نه تنها آنرا ترک کردند) دوری از قرآن را پیشه خود ساختند". بناء بهترین فرصت برای آشنایی با قرآن و معارف قرآنی، دوره های نوجوانی و جوانی است؛ آنچه در این دوره فرا گرفته شود، ماندگار و جاودان خواهد بود. جوانا نیکه تر بیت درست گرفته اند، میتوانند سنگ تهادب اجتماع سالم را بگذارند؛ اما طوریکه معلوم میشود، هم بزرگان وهم جوانان ما، تنها به شعار اکتفا کرده و در عمل گاهی حتی از غیر مسلمانان هم، دنبال تر اند.

سیری به رشد و توسعه تربیت بدنی در افغانستان

در ابتدا، مردم بخاطر بقای حیات خود، بمنظور شکارکردن حیوانات و دفاع از خود از روش های متفاوت ورزشی استفاده میکردند. در آن دوران، مردم مجبور بود تا دوش را پیشه کند، خیز بزند، سنگ پرتاب کند و چوپ هارا تیز کند تا باشد که از شر شرارت حیوانات درنده، در امان بمانند، بنا در حدود ۳۵۰۰ سال (ق. م.) بر علاوه رواج داشتن بزرگری، زراعت و مالداري که اساس تأمین حیات اجتماعی آن عصر را تشکیل میداد، ورزش های فوق، نیز استفاده میکردید و در وقت اولین پادشاه اریانا ملقب به "یما" برای کسانی که از نظر قوه جسمانی قوی میبودند، انعامات می داد که، شامل پول نقد، خانه، زمین میشد؛ همچونان برای شاه از جمله راعایای نزدیک میبودند. سپورت تا سال ۱۲۴۹ هجری قمری، تحت کدام پروگرام منظمی قرار نداشت. تا اینکه در اوسط سال ۱۲۴۹ هجری قمری، امیرشیرعلی خان، طی برنامه اصلاحات اجتماعی و حکومتی، اساس معارف را بصورت عصری و اصولی، مطابق به مقتضیات آن وقت، گذاشت و دو مکتب یکی به نام حربیه در محل شیرپور و دیگری را بنام ملک الخوانین در بالاحصار کابل، تأسیس نموده و بدین ترتیب، برای اولین بار، تربیت بدنی در زمان امیرشیرعلی خان در معارف و پروگرام تعلیمی گنجانیده شد. که چندین نفرغرض تدریس استخدام گردید که یکتا از آنها **پربینما** بود که برای شاگردان تعلیم جمناستیک، قواعد نظامی، انداختن کلوله و پرتاب دسک را آموزش می داد وبا تأسیس مکتب حبیبیه در سال ۱۲۸۰ هجری قمری، اسپورت نیز شامل برنامه های معارف شد که اولین تیم آن عصر، قطعه پروانه بود و در اواخر آن قطعه سراجیه در سال ۱۲۹۷ هجری قمری، جناب غلام محی الدین "افغان" مدیر دارالمعلمین و کلوپ جوانان در کابل، بازی های فوتبال، والیبال، تنیس را در مکتب حبیبیه رایج ساخت و بعد از سال ۱۳۰۱ هجری شمسی، در ایام جشن استقلال با دلگرمی، جوش و خروش خاص، در استدیوم (دورانی) باغ عمومی پغمان و در اوقات مختلف، در چمن حضوری، صورت میگرفت. در سال ۱۳۰۹ در آغاز دوره سلطنت اعلیحضرت محمدنادرشاه، تحت سرپرستی سپه سالار شاه محمود "غازی"، توجه خاص مبذول شد و برای اولین بار در میزان سال ۱۳۱۳ خورشیدی، به غرض رشد و توسعه بیشتر، اتحادیه های اسپورتنی بریاست مرحوم سپه سالار "غازی" تشکیل گردید. ونخستین بار در سال ۱۹۴۸ میلادی، در اولین المپیا بین المللی که در لندن برگزار گردید، تیم های هاکي و فوتبال افغانستان اشتراک نمود و در این المپیا که ورزشکاران از ممالک هندوستان ایران، پاکستان، ایالات متحده امریکا، آلمان و اتحاد جماهیرسوسیالیستی شوروی سابق بنا به دعوت رسمی افغانستان، بمنظور انجام مسابقات ونمایشات ورزشی، مخصوصاً در ایام جشن ها، به دفعات وارد کشور، گردیده است و در سال ۱۳۱۷ مدیریت اسپورت و حفظ الصحه، در چوکات وزارت معارف، جهت پیشبرد و تقویه پروسه تربیت بدنی و توسعه اسپورت در پایتخت و مراکز ولایات کشور تأسیس گردید. در سال ۱۳۱۷ شش میدان معیاری، به غرض اجرای تمرین و انجام مسابقات هندبال، باسکتبال، فوتبال وغیره بشکل انفرادی واجتماعی، بنا شد. ومسابقات در استدیوم ها، برگزار میگردد که غازی استدیوم و استدیوم ورزشی بود که اولی گنجایش (۳۰۰۰) نفر، و دومی گنجایش (۵۰۰۰) نفر را داشت و مسابقات در این مکانها به صورت درست، عصری و اصولی دایر میشد. باید بخاطر داشت که، در سرطان سال ۱۳۲۱ وزارت معارف به تأسیس انجمن ورزشکاران، مبادرت ورزید و در سال ۱۳۲۶، کلب اسپورت ثقیله معارف، در جمنازیوم لیسه نجات، تأسیس گردید و اولین انتخابات ورزشکاران از سوی ریات المپیک کشور، در المپیا آسیائی در مارچ، سال ۱۹۵۱ م. در دهلی پایتخت هندوستان، صورت گرفت و در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، دو تن متخصص فنی بین المللی، برای رهنمائی اسپورت های افغانستان، استخدام شد و در سال ۱۳۳۷ خورشیدی، مکتب اسپورت به لیسه تربیت بدنی تا صنف ۱۲ ارتقاء یافت. در سال ۱۳۴۲، یک جمنازیوم ورزشی در دامنه کوه علی آباد در چوکات پوهنتون کابل بنا یافت. در سال ۱۳۵۲ لیسه تربیت بدنی به انستیتیوت تربیت بدنی و در سال ۱۳۶۶ به پوهنخی تربیت بدنی، ارتقاء نمود که سالانه، ده ها نفر معلمان، جوانان تربیت شده بدنی را، به جامعه تقدیم می نمایند.

لیکوال: عبدالصمد "تمر"

محصل صنف دوم پوهنخی تربیت بدنی پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی

هفت اندرز مولانا

۱. در بخشیدن خطای دیگران مانند شب باش؛
۲. در فروتنی مانند زمین باش؛
۳. در مهر و دوستی مانند خورشید باش؛
۴. هنگام خشم و غضب مانند کوه باش؛
۵. در سخاوت و کمک دیگران مانند رود باش؛
۶. در هماهنگی و کنار آمدن بادیگران مانند دریا باش؛
۷. خودت باش همان گونه که می خواهی.

ارسالی: وصی "نصیری"

دانشجوی، دانشکده زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید استاد ربانی

رویا رویی صدارتی و ریاستی. - ادامه صفحه (۱)

گذشت یک شب، سبز نخواهند شد و یا رئیس حکومت نمی تواند مانند گذشته، وزیری را که خلق صلاحیت شده است، دیگر حمایت کند. متبازر بودن احزاب در پارلمان، تقسیم قدرت بر اقوام، از جمله بدترین نظام های سیاسی در جهان است. اگر نظامی مبتنی بر ترکیب قومی باشد، نظام فاسد و ضعیف است و اگر مبتنی بر حاکمیت فردی باشد، نظام توتالیتر و مزدور است و اگر مبتنی بر رقابت حزبی باشد، نظام ملی و دموکراتیک است، برای اینکه بتوان یک چنین نظامی را ساخت، باید اولاً بستر رشد احزاب سیاسی را هموار کرد، چی احزاب سیاسی یگانه رفع تبعیض، تعصب، زمینه ساز رشد و تقویه احزاب سیاسی و دموکراتیک است؛ در یک حزب سیاسی است که مردم می توانند به تدریج از فراز قوم، زبان، منطقه و مذهب پروازگونه بسوی یک هدف مشترک بروند و بر یک محور ملی جمع شوند. این امر در صورتی ممکن است که قوانین بازنگری شود و تنها یک پارلمان صالح و شایسته می تواند، به چنین امری فایق آید. تقسیم قدرت بر اساس فیصدی قومی، هرگز حکومت با پایه های وسیع اجتماعی وفاق ملی را، بوجود آورده نمی تواند، بلکه در عوض باعث تضاد ملی می شود، خصوصاً در جوامع بدوی تا زمانی که احزاب سیاسی، بعضی اشخاص و اقوام رقابت نکنند، شایسته سالاری نمی تواند جانشین رابطه سالاری شود. حزب سیاسی است که میتواند طراح برنامه ها، ساز و کارهای بزرگ و جامعی شود و جلو تحمیل سلیقه های شخصی ارباب زر، زور و تزویر، خصوصاً حکام را بگیرد.

چرا قانون؟

دوستان گرامی! قبلاً عرض کردم که شیره و مغز انتخابات، ایجاد قانون و حمایت از حقوق افراد عضو جامعه است، که دادن برجستگی به نقش قانون در حیات سیاسی واجتماعی، یکی از نیاز های معادل حیات فزیک انسان ها به حساب می رود. مثلاً وقتی ما می گوئیم قانون، این عبارت از یک سلسله اصول، احکام مقررات و قواعدی است که بوسیله نهاد تقنینی، جهت تنظیم روابط حقوقی واجتماعی احاد جامعه، وضع می گردد و درست این تعریف یک نوع رابطه با سلامتی افراد جامعه دارد. سلا متی یعنی وضع مطلوب و دلخواه از لحاظ جسمی و روانی، ما باید در پی طرح و تدوین قوانینی باشیم که

انگیزه زندگی من

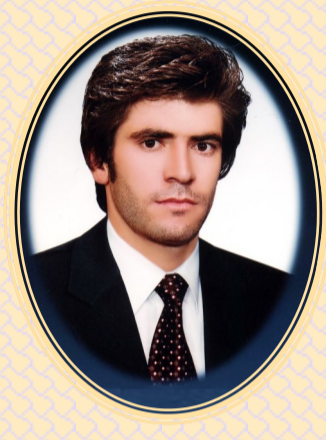
ارزشها ویا چیزهایی را که من به آنها اهمیت میدهم، کدام اند؟ آن کارهایی را که من از انجام آنها لذت میبرم، کدام اند؟ انجام کدام کار ها برایم انرژی و نیرو می بخشند؟ کدام نیرو، مرا بحرکت می آورد؟ کدام اعمال با عث ایجاد رضایت و قناعت من میگردد؟ کدام چیزها مرا به وجد و هیجان می آورند و احساسات مرا تحریک میکنند؟ جواب دادن به سوالات فوق، سبب ایجاد اشتیاق، رویا و برنامه زندگی، برای یک شخص میگردد. اشتیاق هر یکی از این چهار نفر ذیل، چنان قوی بود که هیچ چیزی نتوانیست، آنها را از حرکت بسوی مسیری که برای ایشان حایز اهمیت بود، باز دارد.

۱. **ویلیام ولبرفورس (William Wilber Force)** از ظلم و ستمی که در مقابل بردگان صورت میگرفت، سخت نفرت داشت و بمتابها یک سیاست مدار بریتانوی، باوجود داشتن مریضی شدید که عاید حالش شده بود، سرسختانه تلاش نمود تا، این عمل زشت را در بین نژادهای بشری، منسوخ سازد.
۲. **مهاتما گاندی**: اشتیاق و علاقمندی شدید نسبت به آزادی سیاسی هندوستان داشت و تا زمانیکه به آزادی سیاسی کشور خود نایل نشد، باوجود دشواری ها و ممانعت های جدی که در سر راهش قرار داشت، آرام ننشست و دست از مبارزه نکشید.
۳. **مارتین لوترکنینگ**: فقط یک آرزو در زندگی خود داشت و آن این بود که در سراسر ایالات متحده امریکا، مساوات و برابری برقرار گردد.
۴. **نلسن ماندیلا**: مدت ۲۷ سال عمر خود را در زندان سپری نمود ولی او هیچگاه از یگانه مرام و اشتیاق زندگی خود که از بین بردن تبعیض نژادی (اپارتاید) بود، دست بردار نشد. اینها همه نماینگر آن است که اشتیاق در زندگی انسان، چگونه کار میکند. باوجودیکه همواره، مشکلات و دشواری ها بر سر راه انسانهای هدفمند و با اشتیاق، قرار خواهند گرفت؛ ولی یک رهبر دارای اشتیاق، باوجود همه این دشواری ها و ممانعت ها، سرسختانه مبارزه میکند. شاید این موانع بتواند در برنامه های روزانه او، تأخیر و مزاحمتی ایجاد نماید؛ ولی نمیتواند تا در برنامه های کلی او، خلل و مانعی ایجاد کند. یک شیشه زره بین، مثال خوبی برای اشتیاق و علاقمندی انسان مؤقف میباشد، آن اینکه هرگاه، در روز داغ تابستانی، اگر شما یک شیشه زره بین را بالای یک ورق اخبار، حرکت دهید، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد؛ ولی اگر آنرا در بالای یک نقطه مشخص اخبار، برای مدتی، قرار دهید، طوریکه اشعه آفتاب را بدان نقطه، متمرکز بسازید، بسیار زود، همان نقطه، آتش گرفته و سوراخی در آن، ایجاد میگردد. داشتن اشتیاق در زندگی، بمعنی متمرکز شدن روی نقطه ویا هدف مشخصی، میباشد ویا بعبارت دیگر، ما تمامی نیرو و انرژی خود را، روی انجام یک وظیفه، تا زمانی بمصرف میرسانیم که آن وظیفه انجام پذیرد. داشتن یک اشتیاق مشخص در زندگی، به این معنی نیست که ما بطور خود خواهانه، مشتاق گردیم و تمامی توجه ما، بسوی خودمان بوده و دیگران را نادیده بگیریم که در حقیقت همان طوریکه مثال های چهار نفر بالا، نشان داد موفق ترین و مشتاق ترین افراد، کسانی بودند که بخاطر تأمین زمینه های کامیابی دیگران، کار میکردند.

عبدالرقیب "رسا" دانشجوی صنف چهارم دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ

ماهنامه - از مقالات و نوشته های شما استقبال می کند.
 ماهنامه - در رد، پذیرش، ویرایش و تلخیص مطالب، دست آزاد دارد.
 ماهنامه - مسئولیت های ناشی از تخطی های محتوایی را بعهده نگارشگران و نویسندگان مطالب و مقالات می داند.
 ماهنامه - صفحه ویژه رنگه را برای اعلانات بازرگانی هم شهریان ولایت غور ایجاد خواهد کرد؛ برای نشر اعلانات سوداگری تان به شماره های ارتباطی ما در تماس شوید.

Allah Yar Youths Cultural and Social Monthly



نوازش پدران و استادان

به پاسخ جناب محترم احمد سعیدی

به سیاستمدار و تحلیلگر سیاسی توانای کشور! از دیار غور، جناب "سعیدی" صاحب، سلام و احترامات فراوانم را تقدیم می‌دارم. از خداوند توانا، جناب شما، اولادان، کافه اعضای خانواده و همه عزیزان شما، صحت، موفقیت و بهروزی می‌خواهم.

جناب "سعیدی" گرانقدر! امیدوارم از این نوازش پدران و استادان شما، بکدام زبان اظهار تشکر و قدردانی نمایم؛ ولی به هر زبانی که ابراز نمایم، حق این نوازش عالی شمارا، بجا آورده نمیتوانم. واقعا جناب شما، من بی تجربه و نوکار را بی اندازه خوشحال ساختید، آنقدر که در پیرهن نمی گنجم. پاداش آنرا فقط در این میدانم که خداوند را سپاسگو باشم و از اش همیشه، دعای عافیت و خیر بشما طلب کنم.

لعل میر دانشور مرادی

سعیدی عالیقدر! من این نوشته شمارا، نوازش پدران و استادان نام ماندم؛ چرا که از ارزش هر دو نوع نوازش، برخوردارم گردانیدید. از جانب دیگر، بی اندازه مسرور ساختید، نسبت به اینکه، وعده نوشتن و ارسال مضامین را برایم دادید، چیزیکه من همیشه در آرزوی آن بودم. خداوند لایزال را از این بابت، خیلی ها، سپاس گزارم.

نوشته ها تحت هر عنوان و محتوایی که باشد و جناب شما علاقمند باشند، برایم شیرین و پسندیده است. ماهنامه جوانان الله یار، یک نشریه فرهنگی و اجتماعی است که از اعموم استادان، محصلان، دانشآموزان مکاتب و آموزشگاه ها، ملا امامان، نویسندگان و سراینندگان شعر و ادب، چشم براه ارسال مطالب زیبای ایشان را داشته و دارد، بویژه از شما استادان، امید نوازش و تشویق در این راستا را، داشته و داریم. همچنان به امید اینکه در شماره های بعدی، همیشه نوشته های نازنین و پر محتوای شما را در ماهنامه به بینم. سپاس فراوان از جناب شما، بخصوص از اینکه از مردم الله یار خاطرات خوش و فراموش ناشدنی دارید. مطمئن هستم که مردم الله یار نیز یاد شما را گرامی میدارند؛ بالاخص بعد از اینکه مطالب شما را در ماهنامه خود، بخوانند.

با احترام
 لعل میر دانشور مرادی مدیر مسؤول ماهنامه جوانان الله یار
 کابل، ۲۰ میزان ۱۳۹۱

پیام تبریکی عنوانی ماهنامه الله یار

"از قلم جناب سعیدی"

فرزند توانای وطن ام، آقای "دانشور مرادی" مدیر مسؤول ماهنامه الله یار درود بشما! دعا می کنم در آینده؛ نه چندان دور، مدیریت فرهنگی کشور، در دست توانای شما و همفکران تان باشد. من همه این تلاش ها، رنج ها و مقاومت ها را در جهت آگاهی دهی و رشد فرهنگی، نتیجه زحمات شبانه روزی شما می بینم و هر یکی از نوشته های نشر شده شما را، در جایگاه خود اش، بدیده قدر، مینگریم. امکانات محدود، صبر، مقاومت و حوصله شما، الگویی است برای فردای بهتر و امیدوارترکننده. امروز خوشحالم که فرصت یافتم تا ساینه جام غور را گشوده و ماهنامه جوانان الله یار را، سر تا پایم بخوانم، در نتیجه در یافتم که هم عالمانه بود و هم عاقلانه. بخود بالیدم به فکر زمان افتادم که در مکتب دهاتی الله یار، بین سال های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ و وظیفه مقدس معلمی را بدوش داشتم که خاطرات شیرین و محبت های مردمان آن دیار را هرگز فراموش کرده نمی توانم، در حالیکه بشما و همکاران صدیق تان، در این راه، استقامت و پایداری آرزو میکنم، حاضریم در صورتی که شما لازم دانید و عنوانی را برایم تعیین کنید، ماهانه مقاله بنویسم و جهت نشر به ماهنامه جوانان الله یار، بفرستم. عمر تان دراز و همت تان بلند باد.

با احترام احمد سعیدی
 کابل، ۱۰ میزان ۱۳۹۱

نقش جوانان در جامعه



سمیع الله شاهین

نقش جوانان در همه عرصه ها، تعیین کننده و سازنده بوده و هست.

نقش جوانان در ساختار جامعه، مهم و ارزنده تلقی می گردد؛ زیرا جوانان وارثان فردای جامعه محسوب می شوند. باین منظور والدین گرامی، وظیفه بزرگ ایمانی و وجدانی دارند تا فرزندان خویش را تربیه سالم داده منحیت افراد مؤثر و کارا، تقدیم جامعه نمایند. زیرا؛ نوجوانی مرحله انتقالی از نوزادی به کودکی و از آن بدوره طفولیت، سپس بدوره جوانی و بزرگ سالی است که، بمرور زمان، رشد، تحول جسمانی، شخصیتی و اجتماعی در آدمی، از آغاز سن بلوغ تا هنگام پذیرش مکلفیت ها در جامعه، صورت می گیرد و این تغییرات اساسی، معمولاً بین سنین ۱۳ الی ۲۲ سالگی، صورت می پذیرد.

ما تجارب ارزشمندی، از گذشتگان خود داریم، با وجود نظرات سازنده و نیک ایشان که همه در جهت آزادی و رفاه عموم ملی بوده و هیچ نیستی، جز هدف خدمت گذاری نداشته اند؛ اما نحوه عملکرد ایشان، بگونه بوده که با افکار، دیدگاه ها و سنت های حاکم در جامعه؛ نه تنها اینکه آرزوهای نیک خدمتگذارانه آنان را نپذیرفتند، و باندک تحریکات سازمان یافته دشمنان بیرونی، برخواست های انسانی و پیشروانان، خط بطلان کشیده و بجای جا افتادن آن دیدگاه های سازنده، جامعه را پیش از پیش سنت زده نموده و در عمق خرافات فروبردند. از این رو، باور من این است که اگر نسل جوان و بخصوص جوانان الله یار آنانی که نیت خدمتگذارانه دارند، از گذشته بیاموزند و در راستای پیاده نمودن اهداف پیش روی خود، میانه روی خرد و رزانه را پیشه نمایند، ضریب موفقیت آنان، بالا خواهد گرفت. بناءً چنین نتیجه گیری مینمائیم که یک جوان با احساس و بادیانیت، همواره میکوشد تا بایک ذهنیت فرا قومی و فراملیتی، مصدر انجام خدمت در جامعه شده وحدت ملی شده، اتحاد و اتفاق را شعار و سرلوحه زندگی خویش، قرار دهند. امروز در کشور ما، بعد از سپری شدن سه دهه جنگ، بمیان آمدن نشیب و فراز، بوجود آمدن نظام دیموکراسی، نقش و جایگاه جوانان در جامعه، تثبیت گردیده، تقریباً بیشتر آنها، مصروف فرا گیری درس و تحصیل هستند، قبول می کنم که فرا گیری درس و تعلیم، متضمن آینده جوانان است، اما در پهلوی آن، باید روحیه وطن دوستی، انسان دوستی، رعایت اصل احترام متقابل، انعطاف پذیری و همدیگر پذیری را، معیار اصلی رفتار، گفتار و نوشتار خویش قرار داده تا باشد که در حیات ما، نه تعصب وجود داشته باشد، نه اختلافات با اساس رنگ، نژاد، قوم و قبیل، طایفه دودمان و تولواره، صرف احترام بانسان و انسانیت باشد!

سمیع الله "شاهین" دانشجوی، رشته ژورنالیسم، دانشگاه بدخشان

صفات دوست خوب

هر کس نمیتواند رفیق و یار انسان باشد؛ چنانچه پیامبر گران و گرانقدر اسلام حضرت محمد (ص) در مورد میفرمایند:

۱. مرد به دین دوست خود است، پس باید توجه کند که با چی کسانی دوستی می کند. در (کتاب روضه الخلد) آمده است که دوستی به خاطر سه چیز سودمند است: الف. از علم او، فایده به بری؛ ب. بدعای او محتاج باشی؛ ج. به عطای او امیدوار باشی.
۲. عاقل بوده و نادان نباشد که، نگاه کردن در سیمای نادان، گناه است و دوری از دوستی او، طاعت است؛
۳. خوش اخلاق بوده که، بدخوی، از خودش رنجور بوده و دیگران از دوری وی، در آسایش؛
۴. فاسق نبوده و هر کسی از خدا نترسد، از شر او ایمن، نتوان شد؛
۵. دروغگو نبوده، صحبت او همچون سراب است که دور را، نزدیک و نزدیک را دور، می نمایاند؛
۶. بخیل نبوده؛ چون اگر به او محتاج شوی، تورا در میدان احتیاج، تنها نگذارد!

ما را بهشت، صحبت یاران همدم، است دیدار یار، نامتناسب، جهنم، است هر دم، که در حضور عزیز، بسر آوری در یاب، کز حیات جهان، حاصل، آن دم، است

بزرگان گفته اند، انسانها سه گروه اند:

- اول. مثل آب و غذا هستند که چاره جز آنها، نیست.
 - دوم. بمانند دارو و دوا هستند که، گاهی آنها را، احتیاج داریم.
 - سوم. بمانند درد هستند که، هیچ نیازی به آنها نداریم.
- ناگاه بود، کزین جهانت، بیرند
 غافل منشین، زمان زمانت، بیرند
 روزی بود که، آه بر آید، ز کوی ما
 از مرگ ما، چومدت سه روز، بگذرد
 از حلقه جسمع دوستانت، بیرند
 گرتونروی، کشان کشات، بیرند
 گیرد غبار، خاک لحد، گرد روی ما
 در هیچ کوی، کس نکند، جستجوی ما

الله بخش "سادات پور"